



Predicting family functioning and children's educational methods based on parents's use of mass media and virtual communication networks

Amir Hashemi sanjani ¹ | Shahrzad Saravani ² | Mojgan Zeinali Pour ³ | Faezeh Arbabi ⁴

Vol. 2
Summer 2023

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.11.7

Research Paper

Received:
26 October 2021
Revise:
26 May 2022
Accepted:
23 January 2023
Publication:
25 June 2022
P.P: 291-308

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Healthy and reciprocal relationships within families enable children to learn life skills and to control their emotions in critical situations. The purpose of this study was to predict family functioning and children's educational methods based on the use of mass media and virtual communication networks. This study was a descriptive-correlational study. The statistical population included married men and women living in Qom in the age group of 30-50 years who had at least one child, from whom 386 people were selected as a sample using Cochran's formula and available sampling method. The instruments used were Bamrind (1978) parenting style questionnaire, FAD family functioning questionnaire and researcher-made questionnaire on the use of mass media and virtual communication networks. Regression analysis was used to analyze the data. The results showed that there is an inverse and significant relationship ($P=0.048$) between family functioning and the use of mass media and virtual communication networks. Also, there is a significant relationship between the negligent educational method of children ($P=0.041$) and the authoritarian and authoritative educational methods of children ($P=0.01$) with the use of mass media and virtual communication networks. Findings of the study indicate the importance of parents' use of mass media and virtual communication networks and the role it plays in parenting practices and family interactions, which pave the way for family helpers to guide and improve children's educational practices and family functioning.

Keywords: family and Mass Media, Family and virtual communication networks, Family Function, educational methods.

1. Master of Psychology, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. shahrzad_saravani@yahoo.com
3. Master of Psychology, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
4. Master of Psychology, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Cite this Paper: Hashemi sanjani' A & Saravani'S, Zeinali Pour'M, Arbabi' F. Predicting family functioning and children's educational methods based on parents's use of mass media and ... , The Women and Families Cultural-Educational, 63(2), 291-308.





۶۳

سال هجدهم
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

صص: ۳۸-۳۹

شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

پیش‌بینی کارکرد خانواده و شیوه‌های تربیتی فرزندان بر اساس میزان استفاده والدین از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی^۱امیر هاشمی سنجانی^۲ | شهرزاد سراوانی^۳ | مژگان زینلی‌پور^۴ | فائزه اربابی^۵

چکیده

روابط سالم و متقابل درون خانواده‌ها باعث می‌شود که فرزندان مهارت‌های زندگی را بیاموزند و در شرایط بحرانی احساسات و هیجانات خود را به نحو مطلوب کنترل نمایند. هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش‌بینی کارکرد خانواده و شیوه‌های تربیتی فرزندان بر اساس میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان و مردان متأهل ساکن شهر قم در رده سنی ۳۰-۵۰ سال بود که حداقل یک فرزند داشتند که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۸۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۸)، پرسشنامه کارکرد خانواده FAD و پرسشنامه محقق ساخته میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین کارکرد خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی رابطه معکوس و معناداری ($P=0/048$) وجود دارد. همچنین بین شیوه تربیتی سهل گیرانه فرزندان ($P=0/041$) و شیوه‌های تربیتی مستبدانه و مقتدرانه فرزندان ($P=0/01$) با میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش اهمیت میزان استفاده والدین از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی و نقشی که در شیوه‌های فرزندپروری و تعاملات خانواده دارد را متذکر شده که رهگشای یاوران خانواده برای راهنمایی و اصلاح شیوه‌های تربیتی فرزندان و عملکرد خانواده می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: خانواده و رسانه‌های جمعی، خانواده و شبکه‌های ارتباط مجازی، کارکرد خانواده، شیوه‌های تربیتی.

۱. این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخراج شده است.

۲. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

shahrzad_saravani@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۵. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

استناد: هاشمی سنجانی، امیر؛ سراوانی، شهرزاد؛ زینلی‌پور، مژگان؛ اربابی، فائزه. پیش‌بینی کارکرد خانواده و شیوه‌های تربیتی فرزندان بر اساس ...

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.11.7. ۲۹۱-۳۰۸. (۲)۶۳

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

کارکرد خانواده دارای ابعاد گوناگونی مانند تامین نیازها، ایفای نقش، ارتباط و دخالت عاطفی است که نقش مهمی در سلامت خانواده دارد (خسروی، ۱۳۹۶). همچنین حل تضادها و تعارض‌ها، تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول زندگی اعضای خانواده، و حفاظت از نظام خانواده از دیگر کارکردهای خانواده محسوب می‌شود (اسچالر و همکاران، ۲۰۱۷). خانواده‌ای که کارکرد نامناسب و وضعیتی داشته باشد با نادیده گرفتن ارتباطات بین فردی نامناسب اعضای خانواده و بروز واکنش‌های هیجانی نامناسب موجب ایجاد مشکلات خصوصاً در زمینه عاطفی والدین با یکدیگر و والدین با فرزندان می‌شود و در نتیجه آسیب‌هایی همچون طلاق، گسست‌های عاطفی و خیانت زناشویی را برای اعضای آن خانواده رقم می‌زند (بیراتی، دایس، پیریا، لافر و نری، ۲۰۱۶). در مقابل خانواده‌های با کارکرد مناسب، مرجع تربیت عاطفی و جنسی فرزندان خود قرار گرفته و با شناسایی به موقع مشکل و اقدام به حل آن، فضای ارتباطی مستقیم، روشن و تاثیرگذاری را بر فضای خانواده حاکم می‌کنند (پیرز، کو و ایرارازاول، ۲۰۱۷).

کارکردهای خانواده از عوامل متعددی تاثیر می‌پذیرد که یکی از مهمترین این عوامل، رشد و تنوع رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی است (دابس، ۲۰۱۸). ورود وسایل ارتباطی جدید به‌طور کلی و شبکه‌های ارتباط مجازی و خدمات آنها در قالب فضای مجازی به درون خانواده که اصطلاحاً خانگی سازی فناوری نامیده می‌شود (لیوینگستون، هاددون، جورزیگ و اولافسون، ۲۰۱۱)، به‌طور خاص بر میزان، فراوانی و کیفیت تعاملات اعضا در درون خانواده و همین‌طور در برقراری تعامل با گروه‌ها و اجتماعات بیرون از خانواده تاثیر گسترده و عمیق داشته است و به‌طور فزاینده بر محبوبیت این گونه رسانه‌ها افزوده است (مادیانو و میلر، ۲۰۱۳). شبکه‌های ارتباط مجازی توانسته است گاهی جای خانواده را در تامین عواطف و احساسات بگیرد و حتی با

1. Schuler, T. A. & et al.
2. Berutti, M., Dias, R. S., Pereira, V. A., Lafer, B., & Nery, F. G.
3. Perez, J.C., Coe, S., & Irrazaval, M.
4. Dobbs, S
5. Livingstone, S., Haddon, L., Görzig, A., & Ólafsson, K
6. Madianou, M., & Miller, D

کاهش روابط دوستانه و روابط خانوادگی منجر به آسیب‌های روانی شوند (اسلامی و جهانگیری، ۱۳۹۶).

از طرفی رسانه‌ها در دوران کنونی که به عصر ارتباطات معروف است بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی خانواده‌ها شده‌اند، به نحوی که با سرشار کردن فضا از اطلاعات و اخبار، آنان را احاطه کرده و هر لحظه بر زندگی‌شان تاثیر می‌گذارند. بعلاوه والدین نیز در طول شبانه روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند و فرزندان خود را از ابتدای حیاتشان، با رسانه‌ها بزرگ می‌کنند و موجب می‌شوند که فرزندانشان بخش عظیمی از فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خود را از رسانه‌ها دریافت کنند (طلوعی، ۱۳۹۷). متقابلاً رسانه‌ها نیز در تربیت فرزندان و کارکرد خانواده‌ها نفوذ کرده (فراهانی و سعید، ۱۳۹۱) و مرجعی برای احساس آنان نسبت به موقعیت‌های مختلف، گرایش‌ها، عقاید و ارزش‌هایشان به‌وجود می‌آوردند (دیفلور و روکیچ^۱، ۲۰۱۵) و هیچ چیزی هم مانع و جلودار آن نیست و هرچه هم ابزارهای ارتباطی گسترش می‌یابند، قدرت رسانه‌ها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در تربیت نسل جدید بیشتر می‌شود (محمدپناه، ۱۳۹۶). از این‌رو، پیوند رسانه‌ها با تجربیات اعضای خانواده، آن‌ها را به عضو فعالی از زندگی روزمره تبدیل کرده که توان اثرگذاری بر بازسازی افکار، رفتار، ارتباطات و تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر را دارد. اندیشمندان بسیاری هم معتقدند ماهیت و ویژگی‌های خانواده توسط رسانه‌ها تعیین می‌شود. آنان چنین توضیح می‌دهند که رسانه‌های مجازی بر بستر وب به تدریج فضای روانی و محیطی گفتگو را در ارتباطات بین فردی، خدشه دار می‌کنند و اعضای خانواده را به واگرایی سوق می‌دهند تا جایی که هر عضو خانواده صرفاً در یک فضای فیزیکی مشترک با دیگر اعضای خانواده زندگی می‌کند اما تعامل بسیار اندکی با آن‌ها برقرار می‌کند (تبریزی، ۱۳۹۶).

رسانه در معنای وسیع، شامل تمام وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرات می‌پردازند. این وسایل ارتباطی تنوع فراوانی دارند مانند تلویزیون، رادیو، شبکه‌های رایانه‌ای، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت (بیدگلو و باقری، ۱۳۹۲). به دلیل

1. Defleur, M., & Rokeach, B.

کارکردهای متنوع خود باعث حاکم شدن فضای انفرادی بر خانواده می‌شود و ارتباطات بین فردی چهره به چهره در خانواده را کم‌رنگ می‌کند (کازنو^۱، ۱۳۸۷).

آسیب ناشی از حضور رسانه‌ها در ارتباط بین زن و شوهر و همچنین ارتباط والدین با فرزندان بسیار مشهود است. مطالعات نشان داده‌اند که رسانه‌ها با تغییر مخاطب در ارتباطات بین فردی زن و شوهر و یا والد و فرزند موجب ضعیف شدن پیوندهای عاطفی و هیجانی میان اعضای خانواده شده و از این طریق کارکرد خانواده و شیوه‌های فرزندپروری آنها را به مخاطره می‌اندازد. می‌توان گفت زمانی که میزان استفاده از رسانه زیاد باشد والدین فرصت کمی برای تربیت فرزندان دارند و تقریباً نسبتاً به آنان بی‌تفاوت عمل می‌کنند و به عبارتی از روش‌های سهل‌گیرانه استفاده می‌نمایند و یا چنان استبداد در خانواده حاکم است که تنها والدین قدرت برتر در خانواده به حساب می‌آیند (فراهانی و سعید، ۱۳۹۱).

امامی، هاشمیان‌فر، حقیقتیان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تبیین رابطه گسترش رسانه‌ها و خانواده‌گرایی با استفاده از روش پیمایشی بر روی خانواده‌های ساکن شهر اصفهان پرداختند و نشان دادند که با افزایش مصرف رسانه، تعاملات خانواده و روابط صمیمی بین اعضای خانواده کاهش می‌یابد و این امر می‌تواند کارکرد خانواده را در معرض تهدید قرار دهد. در تحقیقی که توسط روستایی، بدیهی‌زراعتی و پورا کبران (۱۳۹۵) انجام شد به این نتایج دست یافتند که استفاده از رسانه‌های نوپدید مانند ماهواره بر کاهش میل جنسی و همچنین رضایت زناشویی تاثیر بسیار زیادی دارد. لذا در خانواده‌هایی که از ماهواره، استفاده بیشتری دارند رابطه عاطفی، بسیار ضعیف می‌باشد. قلیچ (۱۳۹۱) بیان می‌کند تأثیر رسانه‌ها عمدتاً در جهت شدت بخشیدن و تسریع در روند تغییر و دگرگونی ارزش‌های زناشویی و روابط خانوادگی است. نکته‌ی نگران‌کننده این است که تغییر فرهنگی یا تغییر در سبک زندگی نه به خاطر انتظار تغییرات سطحی مانند یک تغییر ساده سیاسی التیام نمی‌یابد؛ بلکه پدیده‌ای مانند تجمل پرستی در صورت برآورده نشدن می‌تواند خود را به شکل احساس محرومیت نسبی نشان دهد و یک جمعیت همیشه ناراضی یا جمعیتی شدیداً مصرف‌کننده تولید کند که سیری ناپذیر بوده و منافع جمعی را دچار مشکل کند. کاپرا، برین، پاملا، کریستین و لین^۲ (۲۰۱۹) نیز در تحقیقی با هدف بررسی نقش رسانه در کارکرد خانواده در میان ۱۴۰۰ نفر از والدین کشور

1. Cazeneuve, J.

2. Capra, C., Brian, P., Pamela, A, Christian, C, & Lynn, S.

فنلاند به این نتیجه دست یافتند که کارکرد خانواده زمانی بهبود می‌یابد که میزان استفاده والدین و فرزندان از رسانه، کاهش بیاید.

رسانه‌ها از دو طریق بر تربیت فرزندان تاثیر می‌گذارند، یکی تاثیر مستقیم که از ارتباط رسانه با خود فرزندان حاصل می‌شود و دیگری تاثیر غیرمستقیم که سبک‌های تربیتی بر میزان استفاده از رسانه‌ها خواهند داشت (میرداماد اصفهانی، ۱۳۹۴). امروزه پرورش فرزند در فضای رسانه‌های جدید و شبکه‌های ارتباط مجازی به دلیل ویژگی‌های زیادی همچون سرعت زیاد در تبادل اطلاعات و دسترس پذیری بالا سرشار از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، یادگیری و تعاملی می‌باشد، اما به دلیل ویژگی‌های چالش برانگیز شیوه‌های تربیتی را به شدت در معرض آسیب قرار داده است (محمدزاده، نیرومند و محمدزاده نقاشان، ۱۳۹۹).

بامریند^۱ شیوه‌های تربیتی فرزندان را منظومه‌ای از نگرش در مورد فرزند، نحوه برقراری ارتباط با فرزند، روش نگهداری فرزند و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف (بامریند، ۱۹۹۱) کرده است. در شیوه تربیتی سهل گیر قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد نسبت به اجرای همان قوانین اندک و آداب و رسوم اجتماعی تقید چندانی ندارند و هر کس هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. فرزندان که با این شیوه تربیت می‌شوند کودکانی لوس، پرتوقع و خودخواه هستند که در پی دریافت توجه و محبت مداوم از دیگران هستند (نوابی نژاد، ۱۳۹۴). در شیوه تربیتی مستبدانه، بر قدرت والدین بیش از اندازه تاکید می‌شود. والدینی که از این شیوه استفاده می‌کنند، گرایش به محدود کردن استقلال کودکان و مجبور کردن آنها به پیروی از قوانین سختگیرانه توأم با تهدید در صورت نقض قوانین دارند. این دسته از والدین گرایش بسیار کمی نسبت به پاسخگویی و پذیرش فرزندانشان از خود نشان می‌دهند. فرزندان که با شیوه تربیتی مستبدانه بزرگ می‌شوند کودکانی هستند که در برابر انتقاد بزرگ‌ترها بی‌تفاوت‌اند، از ثبات عاطفی کمی برخوردارند و گرایش بیشتری به انحرافات اخلاقی نشان می‌دهند (به نقل از طباطبایی، ۱۳۹۶).

اما منظور از شیوه تربیتی مقتدرانه این است که والدین، فرزندان را به استقلال و آزادی فکر تشویق می‌کنند در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از طرف والدین بر او اعمال می‌شود. در این

1. Baumrind, D.

نوع از شیوه تربیتی، ارتباط کلامی وسیعی در تبادل فرزند با والدین وجود دارد و محبت و صمیمیت بین والدین و فرزندان در سطح بالایی است (بی‌ریا، ۱۳۹۵). لذا خانواده به عنوان نخستین جایگاه اجتماعی کودک در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد و در نحوه برخورد کودک با گروه‌هایی که در آینده با آنها سروکار خواهد داشت به طور مستقیم اثر می‌گذارد (بهارى و مهدوی، ۱۳۹۶). در این میان، رسانه‌ها نیز به توسعه قوانین و هنجارها در جامعه و خانواده می‌پردازند و با تحت‌تأثیر قرار دادن ارزش‌های موجود و داوری‌های هنجاری، ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی می‌سازند که با سرعت تمام به تغییر الگوهای پوشش، شیوه‌های تغذیه، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌پردازند (باهنر، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب پیش می‌توان گفت، نتیجه تعامل اعضای خانواده با رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی این است که افراد خانواده به جای گفتگوی صمیمی با یکدیگر که می‌تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود به ارتباطی تن می‌دهند که گاه فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است و اثرات مستقیم و سوء بر اخلاق و رفتار اعضای خانواده دارد. تأثیر رسانه‌ها در دگرگونی‌های ارزشی خانواده‌ها و نسل‌ها با تأثیر بر شیوه‌های تربیت فرزندان و کارکرد خانواده از عناصر کلیدی نظام فرهنگی هر جامعه به شمار می‌رود که شناخت آنها نقش به‌سزایی در شناسایی تحولات فرهنگی آن جامعه دارد. با توجه به اینکه میزان استفاده از رسانه‌ها همواره بر میزان تعاملات و روابط بین والدین و فرزندان تأثیرگذار است و هر چه میزان استفاده از رسانه بیشتر باشد از میزان تعاملات کاسته می‌شود و از سوی دیگر در شیوه‌های تربیتی همواره تعاملات اصل مهم و اساسی محسوب می‌شود بنابراین میزان استفاده از رسانه‌ها همواره شیوه‌های تربیتی را تغییر می‌دهد. این تأثیرپذیری به عنوان یک مسئله مهم در خانواده‌ها، دغدغه اصلی والدین شده است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. از این رو دغدغه اصلی پژوهشگر این است آیا رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بر کارکرد خانواده و شیوه‌های فرزندپروری تأثیر دارند یا خیر؟ بنابراین فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از ۱- میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی می‌تواند کارکرد خانواده را پیش‌بینی کند. ۲- میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی می‌تواند شیوه‌های تربیتی فرزندان را پیش‌بینی کند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل زنان و مردان متأهل ساکن قم در سال ۱۴۰۰ بود که حداقل دارای یک فرزند بوده و در رده سنی ۳۰ الی ۵۰ سال قرار داشتند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران^۱ (۱۹۷۷) استفاده شد. در این فرمول در سطح اطمینان ۹۵٪ و با جایگذاری داشتن اطلاعات و پارامترهایی به دست آمده از جامعه، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند و به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. در فرمول زیر N جامعه مورد مطالعه بود که بر حسب سالنامه آماری شهرستان قم جمعیت سن ۳۰ الی ۵۰ ساله استان قم در سال ۱۳۹۵ (N=۳۷۵۶۰۰) اعلام شده بود.

برای انجام این پژوهش پس از اخذ رضایت‌نامه کتبی از شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌ها بین افراد گروه نمونه توزیع شد. شرکت‌کنندگان ۸۰ دقیقه فرصت داشتند تا در حضور محقق به تکمیل پرسشنامه‌ها بپردازند. تمامی پرسشنامه‌ها در زمان اخذ از مشارکت‌کنندگان، بررسی شد تا چنانچه شرکت‌کننده‌ای به سوالی پاسخ نداده است مجدداً از وی درخواست شود که پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل نماید. جهت در نظر داشتن اخلاق پژوهشی، پرسشنامه‌هایی بدون نام و نام خانوادگی و یا علائم شناسایی بود تا بدین وسیله پاسخ‌های ارائه شده از سوی شرکت‌کننده‌ها محفوظ باقی بماند. علاوه بر این، اطلاعات ارائه شده در قالب پرسشنامه‌ها تنها در اختیار محقق بوده و از دستیابی افراد دیگر به اینگونه اطلاعات ممانعت به عمل آمد تا اصل رازداری رعایت گردد. همچنین افراد شرکت‌کننده مختار بودند در هر زمانی که بخواهند پژوهش را ترک کرده و از پاسخگویی به سوالات صرف‌نظر نمایند. همچنین در این پژوهش ملاک‌های خروج از پژوهش شامل ابتلا به بیماری‌های روانی والدین بر حسب خود گزارش دهی بود. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف، ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و رگرسیون خطی ساده از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. برای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد.

پرسشنامه سبک فرزندپروری: این پرسشنامه توسط بامریند (۱۹۷۸) ساخته شده است که دارای ۳۰ گویه است. هر کدام از سه شیوه تربیتی سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه با ۱۰ گویه اندازه‌گیری

1. Cochran

می‌شود. در این پرسشنامه شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت (کاملاً موافقم=۵، کاملاً مخالفم=۱) بود. از جمع نمرات جملات مربوطه به هر شیوه سه نمره ی مجزا به دست می‌آید و نمره‌ی مربوط به هر شیوه تربیتی والدین که از دو شیوه دیگر بیشتر باشد به عنوان شیوه تربیتی والدین غالب در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش شعبانی و مویدی (۱۳۹۶) ضریب الفای کرونباخ برای سنجش همسانی درونی پرسشنامه ۰/۷۸ و ضریب پایایی آزمون مجدد، ۰/۸۶ به دست آمد که در سطح ۱ درصد معنادار بود. در این تحقیق پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه ۰/۸۵، ۰/۸۳ و ۰/۷۸ به دست آمده است که نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه است.

پرسشنامه‌ی استاندارد سنجش کارکرد خانواده ۱ (FAD) ۳۰ ماده دارد که آزمودنی برای پاسخ دادن به هر ماده باید یکی از گزینه «بلی» یا «خیر» را انتخاب کند. اگر آزمودنی نمره بین ۰ تا ۱۱ کسب کند کارکرد خانواده پایین، اگر نمره بین ۱۲ تا ۲۱ کسب کند کارکرد خانواده متوسط و اگر نمره بین ۲۲ تا ۳۰ کسب کند کارکرد بالا است (بوری، ۲، ۱۹۹۱). فلسفی‌نژاد (۱۳۹۳) میزان پایایی این پرسشنامه را به شیوه آزمون باز آزمون برابر ۰/۸۳ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش دیگری خباز، سعدی‌پور و فرخی (۱۳۹۵) میزان همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۱ بدست آمد. در این تحقیق پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۴ به دست آمد که نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه است.

پرسشنامه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی: یک پرسشنامه محقق ساخته بود که جهت سنجش میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی استفاده شد. در این تحقیق جهت سنجش رسانه‌های جمعی و مجازی به رسانه‌های مانند رادیو- تلویزیون، ماهواره، تلگرام، واتساپ، اینترنت پرداخته شد و میزان استفاده از برنامه‌ها و محتوای آنها بر حسب ساعت و تماشای هفتگی و روزانه مورد سنجش قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۸ سوال، که به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، اصلاً=۱) نمره گذاری شده است. حداقل نمره ۸ و حداکثر آن ۴۰ می‌باشد. جهت تعیین روایی از روایی محتوایی استفاده شد که توسط اساتید گروه روانشناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی قم مورد تایید قرار گرفت.

1. Family Assessment Device
2. Buri, J. R.

یافته‌ها

در جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد مربوط به افراد گروه نمونه با توجه به ویژگی‌های جمعیتی شناختی (جنسیت، تحصیلات و سن) نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی مربوط به ویژگی‌های جمعیتی شناسی گروه نمونه

متغیر	سطح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۰۱	۵۲/۳
	زن	۱۸۳	۴۷/۷
تحصیلات	دیپلم	۸۹	۲۳/۲
	کاردانی	۳۹	۱۰/۲
	کارشناسی	۱۴۲	۳۷
	کارشناسی ارشد و یا بالاتر	۱۱۴	۲۹/۶
رده سنی	۳۰-۳۵ سال	۸۹	۲۳/۲
	۳۶-۴۰ سال	۱۴۹	۳۸/۸
	۴۱-۴۵ سال	۱۰۷	۲۷/۸
	۴۶-۵۰ سال	۳۹	۱۰/۲

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. جدول ۲ نشان می‌دهد که مقدار سطح معناداری برای تمام متغیرها و مؤلفه‌ها بزرگتر از مقدار خطای ۰/۰۵ است در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال بوده و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۲: نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای وابسته

عامل	آماره Z	سطح معنی داری	مقدار خطا
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی	۰/۶۱۲	۰/۸۴۸	۰/۰۵
شیوه تربیتی مقتدرانه	۱/۱۰۷	۰/۱۲۱	۰/۰۵

عامل	آماره Z	سطح معنی داری	مقدار خطا
شیوه تربیتی مستبدانه	۰/۸۷۱	۰/۴۳۴	۰/۰۵
شیوه تربیتی سهل‌گیرانه	۱/۱۶۶	۰/۱۱۵	۰/۰۵
کارکرد خانواده	۰/۹۵۷	۰/۳۱۹	۰/۰۵

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به این نتایج این جدول از بین پاسخگویان تعداد ۱۲۸ نفر دارای شیوه تربیتی سهل‌گیرانه، حداقل نمره در این مولفه ۱۰ و حداکثر آن ۲۸ می‌باشد. میانگین مولفه شیوه تربیتی سهل‌گیرانه ۱۶/۲۲ و انحراف معیار آن ۵/۸۸ می‌باشد. در میان پاسخگویان ۲۱۰ نفر دارای شیوه تربیتی مقتدرانه، حداقل نمره در این مولفه ۱۰ و حداکثر آن ۴۰ بوده است، میانگین و انحراف معیار مولفه مقتدرانه به ترتیب ۳۰/۵۶ و ۶/۴۶ محاسبه شد. در میان پاسخویان این تحقیق ۴۶ نفر دارای شیوه تربیتی مستبدانه بودند که حداقل نمره در این مولفه ۱۰ و حداکثر آن ۳۲ محاسبه شد. میانگین و انحراف معیار این مولفه به ترتیب ۲۰/۳۱ و ۶/۲۷ گزارش شد. میانگین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی ۲۸ و انحراف معیار آن ۵/۵۲ بود. از لحاظ متغیر کارکرد خانواده ۱۱۲ نفر از پاسخگویان دارای کارکرد خانواده در سطح پایین، با میانگین ۹/۲۵ و انحراف معیار ۳/۵۷ بود. ۱۵۷ نفر دارای کارکرد خانواده در سطح متوسط با میانگین ۱۵/۷۷ و ۱۱۵ نفر دارای کارکرد خانواده در سطح بالا با میانگین ۲۶/۳۳ بودند.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار
شیوه تربیتی سهل‌گیرانه	←	۱۲۸	۱۰	۲۸	۱۶/۲۲	۵/۸۸
شیوه تربیتی مقتدرانه		۲۱۰	۱۰	۴۰	۳۰/۵۶	۶/۴۶
شیوه تربیتی مستبدانه		۴۶	۱۰	۳۲	۲۰/۳۱	۶/۲۷
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی		۳۸۴	۸	۴۰	۲۸	۵/۵۲
کارکرد خانواده پایین		۱۱۲	۱	۱۱	۹/۲۵	۳/۵۷
کارکرد خانواده متوسط		۱۵۷	۱۲	۲۱	۱۵/۷۷	۳/۵۱
کارکرد خانواده بالا		۱۱۵	۲۲	۳۰	۲۶/۳۳	۳/۲۹

در جدول ۴ همبستگی میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی با کارکرد خانواده و شیوه‌های تربیتی فرزندان نشان داده شده است. نتایج نشان داد که شیوه مقتدرانه با میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی رابطه منفی و معنادار و شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه با میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی رابطه مثبت و معنادار دارد و این ارتباط در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی با کارکرد خانواده و شیوه‌های

تربیتی فرزندان

متغیرها	شیوه سهل‌گیرانه	شیوه مقتدرانه	شیوه مستبدانه	کارکرد خانواده
شیوه سهل‌گیرانه	۱			
شیوه مقتدرانه	-۰/۴۶**	۱		
شیوه مستبدانه	۰/۴۷۱**	-۰/۴۹**	۱	
کارکرد خانواده	-۰/۴۴۸**	۰/۵۳**	-۰/۲۷*	۱
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مجازی	۰/۴۳۴	-۰/۳۹**	۰/۳۳۶	-۰/۴۱۵**

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

جدول ۵ نتایج پیش‌بینی شیوه‌های تربیتی و کارکرد خانواده بر اساس میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی نمرات شیوه تربیتی مقتدرانه، ۰/۵۴ واحد کاهش می‌یابد و به ازای هر واحد افزایش در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی نمرات شیوه تربیتی سهل‌گیرانه و شیوه مستبدانه، به ترتیب ۰/۲۷ واحد و ۰/۶۰ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون پیش‌بینی شیوه‌های تربیتی فرزندان و کارکرد خانواده بر اساس میزان استفاده از

رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی

متغیرهای پیش‌بین	متغیرهای ملاک	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری	R	R2	F
میزان استفاده از رسانه-	شیوه سهل-	۰/۲۷	۲/۱۳	۰/۰۴۱	۰/۴۳۴	۰/۱۸۸	۴/۱۹

F	R2	R	سطح معناداری	میزان t	ضریب بتا	متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین
						گیرانه	های جمعی و شبکه‌های
۵/۰۱	۰/۱۱۲	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰۱	۵/۱۸	۰/۶۰	شیوه مستبدانه	ارتباط مجازی
۵/۸۷	۰/۱۵۲	۰/۳۹	۰/۰۰۰۱	-۴/۳۹	-۰/۵۴	شیوه مقتدرانه	
۷/۰۷	۰/۱۷۷	۰/۴۲۱	۰/۰۴۸	-۲/۶۰	-۰/۱۰	کارکرد خانواده	

همچنین نتایج رگرسیون نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی، کارکرد خانواده به میزان ۱۰ واحد کاهش می‌یابد؛ لذا فرض اصلی پژوهش تایید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین تعیین نقش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی در کارکرد خانواده و شیوه‌های تربیتی فرزندان انجام شد. نتایج حاکی از این بود که رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی می‌توانند شیوه‌های تربیتی فرزندان و کارکرد خانواده را پیش‌بینی کنند و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بر کارکرد خانواده تاثیر منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد با افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی، شیوه‌های تربیتی سهل گیرانه و مستبدانه افزایش و شیوه تربیتی مقتدرانه کاهش می‌یابد. یافته‌های مربوط به تاثیر منفی رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بر کارکرد خانواده با نتایج پژوهش‌های قلیچ (۱۳۹۱)، امامی، هاشمیان‌فر و حقیقتیان (۱۳۹۵)، روستایی، بدیهی‌زراعتی، پوراکیبران (۱۳۹۵) و تبریزی (۱۳۹۶) همسو است. قلیچ (۱۳۹۱) در پژوهشی به موضوع جهانی شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر ارزش‌های زناشویی و روابط خانوادگی پرداخت و نتیجه گرفت بین میزان استفاده از محصولات فرهنگی جهانی و دگرگونی صمیمیت، نگرش عرفی به خانواده و دگرگونی انگاره‌های جنسیتی ارتباط مستقیم وجود دارد. نتایج مطالعه روستایی، بدیهی‌زراعتی و پوراکیبران (۱۳۹۵) با هدف بررسی تأثیر رسانه‌های نوپدید بر خیانت عاطفی زوجین نشان داد استفاده از رسانه‌های نوپدید مانند ماهواره با رابطه عاطفی بسیار ضعیف بین والدین با یکدیگر همراه است. در

این پژوهش محتوای پیام رسانه‌ها تاثیرات منفی بر روابط والدین و فرزندان گذاشته است. تیریزی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که به بررسی میزان استفاده از رسانه در زندگی روزمره و سلامت خانواده با ۵۳۰ خانواده تهرانی دارای فرزند پرداخته بود، به این نتیجه رسید که استفاده روزمره از رسانه در زندگی رابطه معنادار معکوسی با سلامت خانواده دارد و این رابطه معکوس در ابعاد ارتباطی و فرآیندی سلامت خانواده بیشتر نمایان است.

در تبیین این یافته، نظریه سیستم‌ها و ارتباطات بیان می‌کند که فرد الگوهای تعامل را از طریق خانواده‌اش کسب می‌کند و با یادگیری چگونگی کنترل هیجان‌اتش در بافت خانواده و داشتن یک حس روشن از ارزش‌ها، عقاید و واکنش‌ها، بدون آنکه هیجان‌اتش را مخفی سازد و یا استقلالش را نادیده بگیرد، روابط سالمی را با دیگر اعضای خانواده برقرار می‌کند و با صرف وقت بیشتر در خانواده، ضرورت‌های ارتباطی خانواده نظیر گفتگوی مفید، صمیمیت و کسب همدلی و محبت در خانواده را تامین می‌کند (شریفی، ۱۳۹۲) ولی زمانی که رسانه‌های جمعی و مجازی به عنوان منبعی مهم و اساسی وارد فضای اجتماعی و ارتباطی جامعه و خانواده می‌شوند، با شکل دادن به افکار و اذهان آنان و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نسل‌های نو به طور جدی در امر جامعه‌پذیری مداخله می‌کنند و با امواج سلطه‌ای خود، جریان جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری اعضای خانواده و بالاخص فرزندان را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجب ضعف در کارکرد خانواده می‌شوند و با در اختیار قرار دادن منابع و محتوای نامتعارف و ناهماهنگ با فرهنگ مورد تایید آن کشور، منجر به ظهور و بروز مسائل و مشکلات در جامعه و خانواده‌ها می‌شوند. از طرفی هنجارهای فرهنگی در گذشته نه چندان دور از طریق خانواده به فرزندان منتقل می‌شد ولی امروزه با تکامل روانی و اجتماعی فرزندان در فضای مجازی این هنجارها و ارزش‌ها همراه با اطلاعات، خدمات و الگوهای تربیتی از طریق رسانه‌های مجازی منتقل می‌شود که این نیز موجب ضعف شدن کارکرد خانواده در انتقال فرهنگ و ارزش‌ها می‌گردد.

همچنین نتایج نشان داد با افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی، شیوه‌های تربیتی سهل‌گیرانه و مستبدانه افزایش و شیوه تربیتی مقتدرانه کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های گراسموگ^۱ (۲۰۱۹) و گلچین، سخایی و افشانی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. نتایج

1. Grasmuck, S. J.

پژوهش گراسموگ (۲۰۱۹) در خصوص ارتباط فیس بوک به عنوان یک شبکه ارتباط مجازی با هویت نوجوانان دبیرستانی در شمال آفریقا نشان داد که فیس بوک، هویت جهانی افراد را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، در شکل‌گیری هویت افراد و به تبع آن، تأثیرپذیری و تغییر رفتارهای آنان، تأثیر شبکه‌های ارتباط مجازی فیس بوک قابل ملاحظه و چشمگیر است. همسو با نتایج مطالعه حاضر، گلچین، سخایی و افشانی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با روابط بین والدین و فرزندان در شهروندان تهرانی به این نتیجه دست یافتند که هر چقدر میزان استفاده از رسانه ماهواره بالاتر باشد مطلوبیت روابط والدین با فرزندان کمتر خواهد شد.

در تبیین این نتایج بنا به نظر بندورا (۱۹۹۴) در خصوص یادگیری مشاهده‌ای و با توجه به نتایج این تحقیق که نشان داد تأثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی بر والدین با شیوه تربیتی مستبدانه و سهل‌گیرانه بیشتر از شیوه تربیتی مقتدرانه است؛ می‌توان اذعان داشت فضای برخی رسانه‌های مجازی همچون اینترنت و رسانه‌های جمعی همچون ماهواره با توجه به کثرت نمایش‌های خشونت‌آمیز در فیلم‌ها، تأییدکننده سبک تربیتی مستبدانه هستند و یا با نمایش آزادی‌های بی‌حد و مرز در روابط میان اعضای خانواده تأییدکننده سبک تربیتی سهل‌گیرانه می‌باشند که به عنوان الگوی موجه و مؤید برای والدین با این شیوه تربیتی، کارا بوده و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در چرخه ناکارآمد و باطل اثر تقویتی و تأییدکنندگی محتوای برنامه‌های رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی، والدین دارای با شیوه‌های تربیتی مستبدانه و سهل‌گیرانه زمان بیشتری را صرف تماشای این رسانه‌ها و یادگیری و الگوبرداری بیشتر از محتوای این رسانه‌ها می‌کنند؛ لذا با وجودی که بسیاری از رسانه‌های جمعی و مجازی به اصلاح و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها کمک می‌کنند اما در مواردی هم، خود عامل ایجاد ناهنجاری‌ها در سطح خانواده هستند.

رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی به عنوان فضای اجتماعی جایگزین روابط اعضای خانواده با یکدیگر شده است و با جذب گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی و با شکل دادن به افکار و اذهان والدین و فرزندان، در تمامی امور کارکرد خانواده و شیوه‌ی تربیتی فرزندان به طور جدی مداخله کرده و الگوهایی برای استفاده‌ی والدین برای هدایت فرزندان، تغییر رفتارها، نگرش‌ها و گرایش‌های والدین و فرزندان را ایجاد می‌کنند که خود باعث سوء مدیریت والدین در کارکرد

خانواده و تربیت فرزندان می‌شود. لذا استفاده مفرط و نامتعارف اعضای خانواده، منجر به ظهور و بروز مسائل و مشکلات برای جامعه و خانواده‌ها در مسیر جامعه‌پذیری کودکان و انتقال هنجارها و ارزش‌ها و الگوهای تربیتی خواهد شد.

این تحقیق همانند پژوهش‌های دیگر دارای محدودیت‌هایی از جمله: فراهم نبودن استنباط علی- معلولی از یافته‌ها به علت توصیفی بودن آنها، احتیاط در تعمیم نتایج به دلیل استفاده از پرسشنامه‌های خود گزارش دهی و فرهنگ متفاوت شهر مذهبی قم است.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش اطلاعات والدین در خصوص تاثیر رسانه‌های جمعی و مجازی، برنامه‌های تشویقی جهت افزایش اطلاعات و مهارت- های فرزندپروری والدین تهیه و بروز رسانی شوند تا روش‌های تربیتی آنان برای فرزندان قابل قبول و پذیرش و دارای اعتبار علمی باشند. همچنین پیشنهاد می‌شود مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای کشور بر موضوع نحوه ارائه الگوهای مناسب کارکرد خانواده در رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباط مجازی تاکید بیشتری داشته باشند تا اثرات مثبت آن را بر کارکرد مناسب خانواده‌ها مخصوصاً روابط صمیمی میان اعضای خانواده شاهد باشیم.

ملاحظات اخلاقی

در این مطالعه از اعضای شرکت کننده در مطالعه رضایتنامه آگاهانه کتبی گرفته شد.

تضاد منافع

در این مطالعه هیچ گونه تضاد منافع با شخص و یا سازمانی وجود نداشت. این مقاله از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم با کد اخلاق IR.IAU.QOM.REC.1400.013 استخراج شده است.

منابع

- اسلامی، مسعود؛ جهانگیری، آزاده (۱۳۹۶). تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی استحکام و روابط زوجین. *فصلنامه علمی ترویجی اخلاق*. ۸(۳۰)، ۹۷-۱۲۰.
- امامی، پریخ؛ هاشمیان‌فر، علی و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۵). تبیین رابطه گسترش رسانه‌ها و خانواده‌گرایی. *دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده*. ۵(۱)، ۱۹-۵.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۸). رسانه‌های جمعی و تولیدات دینی برای کودکان: ارایه رویکردی ارتباطی-فرهنگی. *تحقیقات فرهنگی ایران*. ۳، ۳۷-۵۴.
- بهاری، حسین و مهدوی، حسن (۱۳۹۶). تاثیرات منفی فضای مجازی بر تربیت اسلامی خانواده‌های ایرانی. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۹(۱)، ۱۸-۴۰.
- بیدگلو، مهدی؛ باقری، عبدالرضا (۱۳۹۲). ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران: از نگاه کارشناسان وزارت کشور. *فصلنامه مطالعات ملی*. ۱۴(۲)، ۱۲۱-۱۴۴.
- بی‌ریا، ناصر (۱۳۹۵). *روان‌شناسی رشد: با تاکید بر نگرش به منابع اسلامی*. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۶). رابطه رسانه‌های شدن زندگی روزمره و سلامت خانواده. *مطالعات رسانه‌های نوین*. ۵(۱۸)، ۱۶۷-۲۰۲.
- خباز، محمد؛ سعدی‌پور، احمد؛ فرخی، نادر (۱۳۹۵). آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. ۶، ۱۲۸ - ۱۴۷.
- خسروی، زهره (۱۳۹۶). رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش‌آموزان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*. ۱۴، ۵۹-۸۰.
- روستایی، مرتضی؛ بدیهی‌زراعتی، فرنوش؛ پوراکبران، الهه (۱۳۹۵). بررسی تاثیر رسانه‌های نوپدید (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) بر خیانت عاطفی زوجین و عوامل موثر بر آن. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۸، ۴۱۹-۴۲۳.
- شریفی، فریبا (۱۳۹۲). عملکرد خانواده. *نشریه رشد معلم*. شماره ۱۸۷. سی دی نمایه ۱۵۷.
- شعبانی، زهرا؛ مویدی، معصومه (۱۳۹۶). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی. *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۱۴(۳)، ۱۰۷-۱۲۵.
- طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بهداشت روانی دختران. *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۱۱(۲)، ۸۹-۱۰۸.
- طلوعی، علی (۱۳۹۷). *سواد رسانه‌ای: درآمدی بر شیوه یادگیری و سنجش*. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها. ۲۳-۳۴.

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

- فراهانی، محسن؛ سعید، زهره (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تربیت و رشد کودکان و نوجوانان. *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*. ۳(۱)، ۹۹-۱۰۲.
- فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی. *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۲۳، ۷-۱۸.
- قلیچ، مرتضی (۱۳۹۱). جهانی شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر ارزش‌های زن‌شویی و روابط خانوادگی. *فصلنامه مطالعات رسانه*. ۱۳(۴)، ۲۳-۴۴.
- کازنو، ژان (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم.
- گلچین، مسعود؛ سخایی، ایوب و افشانی، علیرضا (۱۳۹۱). مطالعه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و مناسبات خانوادگی در بین شهروندان تهرانی. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. ۵۶(۱۵)، ۵۲-۱۱۸.
- محمدپناه، علیار (۱۳۹۶). اثرپذیری کودکان از رسانه‌ای به نام تلویزیون. *اصلاح و تربیت*. ۴۹، ۳۱-۳۶.
- محمدزاده، الهام؛ نیرومند، رضا؛ محمدزاده نقاشان، ندا. (۱۳۹۹). فرزندپروری در مواجهه با فضای مجازی چالش‌ها و راهکارها. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. ۲۶(۱۲۱)، ۱۵۱-۱۸۱.
- میرداماد اصفهانی، سیدمحمد (۱۳۹۴). بررسی نقش رسانه‌های جمعی بر سبک تربیت خانواده‌های دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر طبریز از منظر معلمان و دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*. ۲(۲۷)، ۲۲-۳۷.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۹۴). *سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان*. تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ چهاردهم.

- Banduran, A. (1994). *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*. Englewood Cliffs, Nj: Prenticehall.
- Baumrind, D. (1978). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4, 27-42.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition in P.A Cowan & E.M. Hetherington(Eds). *Family transitions* (pp. 111-163). Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Berutti, M., Dias, R. S., Pereira, V. A, Lafer, B., & Nery, F. G. (2016). Association between history of suicide attempts and family functioning in bipolar disorder. *Journal of Affective Disorders*. 192, 28-33.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*. 57, 110-119.
- Capra, C. William., Brian, P. Hinotea., Pamela, Abbott., Christian, Clarck., & Lynn, Schofield. (2019). *Parent App: Understanding Families in the Digital Age*. Oxford universit y press.
- Cochran, W. G. (1977). Relative accuracy of systematic and stratified random samples for a certain class of populations. *Ann. MATH.STAT*. 17,148-177.
- Defleur, M., & Rokeach, B. (2015). *Theories of Mass Communication*. London: Longman

- Dobbs, S. (2018). Connected: Social media use and quality family time. Long Beach, CA: California State University.
- Grasmuck, S. J. (2019). Ethno racial identity displays on Facebook. *Journal of Computer-Mediated Communication*. 15(2), 158-188.
- Livingstone, S., Haddon, L., Görzig, A., and Ólafsson, K. (2011). Risks and safety on the internet: The perspective of European children. Full Findings. LSE, London: EU Kids Online.
- Madianou, M., & Miller, D. (2013). Polymedia: Towards a new theory of digital media in interpersonal communication. *International Journal of Cultural Studies*. 16(2), 169-187.
- Perez, J.C., Coe, S., & Irarrazaval, M. (2017). Is maternal depression related to mother and adolescent reports of family functioning? *Journal of Adolescent*. 63, 129- 141.
- Schuler, T. A., Zaider, T. I., Li, Y., Masterson, M., McDonnell, G. A., & Hichenberg, S. (2017). Perceived family functioning predicts baseline psychosocial characteristics in U.S. participants of a family focused grief therapy trial. *Journal of Pain and Symptom Management*. 54(1), 126-131.